

گمانه‌زنی درباره تأیید یارِ صلاحیت چهره‌ها، مبنای درستی ندارد

سخت‌گویی شورای نگهبان مبنای گمانه‌زنی درباره تصمیم این شورا مبنی بر رِصلاحیت برخی چهره‌ها در انتخابات آینده ریاست جمهوری را نادرست خواند و گفت: اصلاح قانون انتخابات بحث تجاری نیست که دو طرف بر سر سود و زیان آن مذاکره کنند. عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان صبح امروز (شنبه) طی سخنانی در اولین نشست خبری خود بعد از انتصابش به عنوان سخنگوی این شورا، اظهار داشت: امیدوارم در کسوت سخنگویی با همکاری خبرنگاران و اصحاب رسانه بتوانیم اخبار شورا را هم به صورت دقیق و منظم برای افکار عمومی منتقل کنیم و هم بتوانیم با استفاده از رسانه‌ها به عنوان یک پل ارتباطی، نظرات و انتقادات مردم را به اعضای شورای نگهبان منتقل کنیم.

وی در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا مسئله دریافت حقوق‌های نجومی می‌تواند در بررسی صلاحیت‌ها برای انتخابات‌های آتی موثر باشد یا نه اظهار داشت: اکنون نمی‌توانیم نظر خاصی را مطرح کنیم اما به طور کلی اگر خلافی صورت گرفته باشد مدنظر اعضای شورای نگهبان برای بررسی صلاحیت‌های کاندیداها قرار می‌گیرد. ضمن اینکه امیدواریم در اصلاح در قانون انتخابات این مطلب نیز مدنظر قرار گیرد.

کدخدایی در پاسخ به سوال دیگری که از رویکرد احتمالی جدید شورای نگهبان پس از انتخابات حقوق‌اندان جدید و نیز رویکرد خود وی پرسیده بود پاسخ داد. در شورای نگهبان تصمیم‌گیری به صورت جمعی صورت می‌گیرد و تابع نظر اعضاست اما من خود سعی می‌کنم ارتباط بیشتری با نمایندگان مجلس داشته و بحث‌های کارشناسی را پیگیری کنم.

وی اضافه کرد: همین امروز بعدازظهر جلسه‌ای با برخی نمایندگان مجلس درباره اصلاحات در امور تقنینی و نیز قانون انتخابات خواهیم داشت.

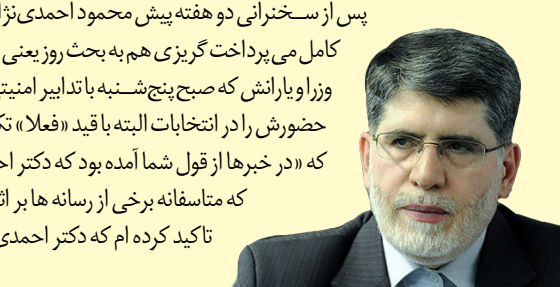
سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به سوال خبرنگاری که از تناقض رفتار شورای نگهبان با ادعای کارشناسانه بودن آن به ویژه در موارد رد صلاحیت‌های آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی، سید حسن خمینی و مینو خالقی پرسیده و نیز به عدم اطلاع رسانی و پاسخ مشخص شورا در این باره اشاره کرده بود گفت: تأیید می‌کنم که اطلاع رسانی خوبی در این باره از سوی شورای نگهبان صورت نگرفته است اما موافق نیستم که تصمیم شورا کارشناسانه نبوده است و به صورت کلی از تصمیم شورا دفاع می‌کنم.

وی ادامه داد: اگر کسی بحثی خلاف کارشناسی از سوی شورای نگهبان دیده است اعلام کند تا پاسخ شورا براساس موارد مربوط در پرونده افراد اعلام شود.

کدخدایی گفت: هر چند در مواردی بنا بر اعلام عمومی دلایل رد صلاحیت کاندیداها نیست، اما در دوره جدید سخت‌گویی بنده همانند دوره قبلی آن دلایل به کاندیداها ابلاغ می‌شود. هرچند ممکن است ضعف‌هایی در این اطلاع رسانی وجود داشته باشد اما درباره اینکه شورا تصمیم کارشناسی نمی‌گیرد، انصاف داشته باشید.



جو افنکر: احمدی نژاد فعلا هیچ بر نامه ای برای انتخابات ندارد



پس از سخنرانی دو هفته پیش محمود احمدی‌نژاد در ملارد کرچ، او هفته گذشته در مسجد مسعودیه تهران سخنرانی کرد و این بار برخلاف سخنرانی‌های اخیرش که به تبیین اندیشه امام و رهبری و انسان کامل می‌پرداخت گریزی هم به بحث روز یعنی فیش حقوقی زد. صحبت‌های این بار احمدی‌نژاد و کتابه‌هایش به دولت حسن روحانی در کنار خبر تایید نشده برگزاری نشست انتخاباتی احمدی‌نژاد با وزرا و یارانش که صبح پنج‌شنبه با تداپیر امنیتی و در سکوت خبری برگزار شد به گمانه‌زنی‌ها برای حضور مجدد احمدی‌نژاد در انتخابات آینده ریاست جمهوری دامن زد. با این وجود اطرافیان او همچنان حضورش را در انتخابات البته با قید «فعلا» تکذیب می‌کنند.
علی اکبر جو افنکر یکی از یاران احمدی‌نژاد است که همچنان مسئولیت مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور سابق را به عهده دارد در پاسخ به این سوال که «در خبرها از قول شما آمده بود که دکتر احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نخواهد کرد. آیا این خبر را تایید می‌کنید؟» تاکید می‌کند: خیر، تایید نمی‌کنم. با نگاهی خوش بینانه می‌گویم که متأسفانه برخی از رسانه‌ها بر اثر بی دقتی، صحت را فدای سرعت می‌کنند و به انتشار مطالبی مبادرت می‌ورزند که با آنچه مراد گوینده آن است تفاوت دارد. در این خصوص همواره تصریح و تاکید کرده ام که دکتر احمدی نژاد فعلا هیچ برنامه ای برای انتخابات نداردند و اصولا انتخاباتی شدن زودهنگام فضای کشور را همسو با منافع و مصالح مردم نمی‌دانند.

وضع فعلی بانک‌ها اسلام‌مالی ربا است

احمد توکلی در گفت‌وگو با تابناک اعلام کرد:هیچ کس فساد سیستمی را انکار نمی‌کند

احمد توکلی یکی از مردان سیاست ایران است که تمرکز او در تمام این سال‌ها عمدتاً نه روی بازی‌های سیاسی، که روی اقتصاد بوده است. توکلی در دولت محمدعلی رجایی سخنگوی دولت بود و در کابینه اول میرحسین موسوی وزارت کار و امور اجتماعی را بر عهده داشت. او اما به دلیل اختلافش با سیاست‌های چپ گرایانه اقتصاد دولتی موسوی، از این سمت کناره گرفت تا نشانی باشد بر مخالفت شدیدش با اقتصاد دولتی. با این حال میانه این اقتصاددان با سیاست‌های اقتصادی راست گرایانه دولت هاشمی نیز چندان بهتر نبود و در این سال‌ها یکی از منتقدان بزرگ سیاست‌های تعدیل اقتصادی و مدل نئوکلاسیک بوده است. توکلی حالا و بعد از چهار دوره نمایندگی مجلس، همچنان به اقتصاد دولتی و مدل نئوکلاسیک پیاده شده در ایران نقد دارد و مشکلات امروز اقتصاد ایران و نیز فساد موجود در آن را ناشی از این دو می‌داند. او همچنین فساد اقتصادی را در ایران سیستماتیک می‌داند، به این معنا که خود دستگاه‌های مقابله با فساد آلوده شده اند. «تابناک» با احمد توکلی در مورد اقتصاد ایران، مشکلاتش و نیز فسادی که دامنگیر آن شده، گفت و گو کرده است که مشروح آن را می‌خوانید.

هیچ کس فساد سیستمی را انکار نمی‌کند

آقای توکلی، شما بارها از فساد سیستماتیک در ایران سخن گفته اید. به این معنا که «نهادهای مسئول مبارزه با فساد خودشان به در جاتی از فساد مبتلا هستند، مثل قوه قضائیه، نیروی انتظامی، مجلس، بازرسی کل کشور»، ولی رئیس قوه قضائیه مدتی پیش گفتند به فساد سیستماتیک معتقد نیستند و تاکید کردند «هر کسی می‌گوید فساد سیستماتیک است، نشان بدهد تا پیگیری کنیم». نظر تان در مورد اظهار نظر آیت الله آملی لاریجانی چیست؟

فکر می‌کنم آیت الله آملی در تعریف با ما همراه نیست و تلقی من از صحبت‌های ایشان این بود که وقتی ما می‌گوییم فساد سیستماتیک یعنی کل سیستم خراب است. در حالی که اگر کل سیستم خراب بود دیگر جای مبارزه ای باقی نمی‌ماند و ما از مبارزه قوه قضائیه دفاع نمی‌کردیم. مقصود از فساد سیستمی این است که دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد، خودشان مشکل پیدا کرده‌اند. این واقعیت را هیچ کس انکار نمی‌کند. خود آیت الله آملی هم گفتند پارسال ۵۰ قاضی را معلق کرده‌اند. این عدد در مقابل تعداد کثیر قاضی پاک، زیاد نیست، اما چون این‌ها در یک جا تمرکز نیستند و پخش هستند، محیط را خراب می‌کنند و تلقی مردم هم این است که وضع بیشتر از این‌ها خراب است. البته طبیعتاً هم باید این عدد از ۵۰ تا بیشتر باشد، چون باید پذیرفت که همیشه تمام مجرمان پنهان یک‌باره به تله نمی‌افتند. در نتیجه اعتمادی که باید به این دستگاه که محل پناه است، وجود داشته باشد مخدوش می‌شود. وقتی اعتماد به دستگاه قضا مخدوش شد، همچنین بازرسی کل، دیوان محاسبات، کمیسیون اصل ۹۰. سازمان حسابرسی و همه جاهایی که مسئول مبارزه با فساد هستند، همین‌طور اعتماد به آنها مخدوش شد؛ دیگر سیستم به راحتی نمی‌تواند از خودش دفاع کند. درست ماندند وضعیتی که گلیول‌های سفید که حافظ سلامت و مدافعان بدن هستند کارشان مخدوش شود، سیستم «ام.اس» می‌گیرد و به این صورت از هر جا امکان دارد آسیب ببیند.

ما ادعایمان این نیست که همه سیستم خراب است، ما می‌گوییم سیستم بخشی از قدرت دفاع خود را از دست می‌دهد و لذا نمی‌تواند فعلاً نه برخورد کند. لذا می‌گوییم فساد سیستمی است. اگر ما قانع شویم که فساد سیستمی است، آنگاه با آن سیستماتیک مبارزه می‌کنیم و مبارزه نقطه‌ای نمی‌کنیم. می‌فهمیم که باید خیلی چیزها را با هم ببینیم و لذا بر اساس این تحلیل نظام یافته، با فساد نظام یافته برخورد می‌کنیم.

افراد فاسد در مجاری تصمیم‌گیری کشور نفوذ کرده‌اند

البته یک مرحله وسیع‌تر و عمیق‌تر از این هم به عنوان فساد سیستمی هست و آن وقتی است که افراد فاسدی می‌توانند در مجاری تصمیم‌گیری کشور نفوذ کنند. متأسفانه این سطح فساد نیز در کشور هست. من با صراحت عرض می‌کنم در مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر وقتی چیز جدیدی مطرح می‌شد، مخصوصاً وقتی بدون مقدمه بود، ما همیشه نگران این بودیم که ببینیم به جز اینکه خود حرف چیست، پشت حرف چیست. مثلاً پیشنهادی در حین بررسی لایحه‌ای در سال ۹۴ می‌آمد که قاعده‌ای مالیاتی را تغییر دهیم بعد در انتهای پیشنهاد این جمله بود که این حکم شامل پرونده‌های در دست بررسی باقی‌مانده از سال ۱۳۹۰ تا کنون نیز می‌گردد. ما اینجا حساس می‌شدیم که پرونده چه کسانی از سال ۹۰ تا الان مانده است؟ قاطعانه می‌گویم که حق داشتیم شک کنیم. نمی‌گویم حتماً شک ما درست بوده، ولی حق داشتیم. چون ما دیده ایم که در مجلس تصمیم‌گیری، آدم‌های فاسد نشسته‌اند. وقتی آن کسی که رئیس کمیسیون است، بعد رصلاحیت می‌شود، معنی این چیست؟ این یعنی سابقه فساد دارد و شورای نگهبان می‌گوید او صلاحیت ندارد در انتخابات شرکت کند و البته در موارد خاص حق با شورای نگهبان بوده است.

یا مثلاً در مورد مالیات بر عایدی سرمایه در بخش مسکن، ما چند بار خیز برداشتیم و هر بار ناموفق بودیم. مجلس اصولگراها هم بود. موضوع از این قرار است که وقتی سرمایه برای تجارت و سوداگری وارد بخش مسکن می‌شود، این سرمایه مالیات نمی‌دهد. ۲ در ۱۰۰۰ قیمت منطقه‌ای مالیات می‌دهد و این یعنی هیچ! از آن طرف نرخ تورم در بخش مسکن بالاتر از نرخ تورم متوسط است. یعنی اگر زمین و مسکن دیرتر فروخته شود، سودآورتر است. اینجا احتکار هم هزینه ندارد. شما مثلاً وقتی یخچال می‌خرید و احتکار می‌کنید بعد از مدتی از رونق میفتند چون مدل جدیدتر به بازار می‌آید؛ یا رنگ می‌زنند و مجبورید بعد از مدتی آن را وارد بازار کنید. اما اگر زمین خریدید و گذاشتید بماند، خراب نمی‌شود و احتکارش هزینه ندارد و چون نرخ تورمش از نرخ تورم متوسط بیشتر است، همواره تگه داشتن آن سود دارد. آیارتمان هم همین‌طور است و به ندرت پیش می‌آید که مثل این چند سال اخیر قیمت آن بالا نرود. درواقع وقتی یک نفر خانه می‌خرد که آن را خالی نگه دارد و بعد بفروشد، این سوداگری است، یعنی پول در بخش مسکن به شکل تجارت می‌چرخد. این پول مالیات ندارد، بیمه ندارد، موجب افزایش تقاضای کاذب است، قیمت را در بخش مسکن بالا می‌برد، به اجاره نشین‌ها فشار می‌آورد، به بیخاننهایی که می‌خواهند خانه بخرند فشار می‌آورد و لذا همه اش ضرر است. و چون مالیات ندارد

و سودش هم بی حساب کتاب‌تر از همه جاست، محل جذب سرمایه‌از بخش تولید کالایی می‌شود، صنعت آسیب می‌بیند، کشاورزی آسیب می‌بیند، پول از آنجاها به اینجا منتقل می‌شود و می‌چرخد و در هر چرخشی چون مبادلات چرخشی است و نه توزیعی، فشار بر مردم را زیادتر می‌کند. لذا خیلی عاقلانه است که ما در اینجا مالیات بالا ببریم تا این مسیر برعکس شود. در این صورت خرید برای نگهداری حذف می‌شود، تقاضای مسکن می‌آید پایین، قیمت می‌آید پایین. اجاره خانه می‌آید پایین و … حال امری به این وضوح و روشنی را ما جان‌کنندیم تا بالاخره دوستان در رودریایی‌ی پذیرفتند و آن را به صحن گزارش کردند. اما آقای وزیر مسکن نامه نوشت به رئیس مجلس و گفت این کار تورم زاست. رئیس مجلس هم قانع شد و موضع مخالف گرفت و یک عده هم موضع مخالف گرفتند و در نهایت ۳-۴ تا رای کم آورد.

یک سال بعد ما دوباره اقدام کردیم و نشد. علتش این است که زمینه‌سازی شده بود و در ذهنشان جا گرفته بود که این کار مناسب نیست. هرچند رئیس مجلس و وزیر مسکن در ذهن من میرا هستند یا لااقل متهم نیستند، اما تحت تأثیر مشاورانشان به چیزی رسیده‌اند که غلط است. لذا من می‌گویم این اتفاق تحت تأثیر عواملی که ذی‌نفع بوده‌اند افتاده است نه تحت تأثیر عقل و منطق و علم.

آقای هاشمی رهاسازی کرد، نه آزادسازی

شما یکی از بزرگ‌ترین علل فساد را مدل نئوکلاسیک و سیاست تعدیل اقتصادی صندوق بین‌المللی پول می‌دانید که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی اجرا شد. اما این سیاست در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان اجرا می‌شود و فساد در این کشورها کمتر است، پاسخ شما چیست؟

من اقتصاد دولتی و همچنین اقتصاد نفتی را مهم‌تر می‌دانم. علتش هم این است که این دو با هم دولت مداخله‌چورا به دولت توزیع‌کننده جوازها و توزیع‌کننده امکانات تبدیل می‌کند. از یک طرف دولت باید منابع نفتی را توزیع کند. از طرف دیگر مردم برای هر کاری باید اجازه بگیرند، امضای طلایی پیدا می‌شود. در نتیجه هر دو این‌ها فسادزاست. بنده با این‌ها از اول مخالف بودم و سر همین مسئله استعفا دادم و از دولت موسوی بیرون آمدم. مدل نئوکلاسیک دستور اکیدش این است که در بازارهای چهارگانه کالا، کار، پول و سرمایه قیمت را به عرضه و تقاضا واگذارد کند. ظاهراً من که با دخالت دولت مخالف بودم و آن را یکی از عوامل مهم فساد می‌دانستم با این رویکرد باید موافق مدل نئوکلاسیک باشم. اما چرا همواره مخالفت کرده‌ام؟ چندین دلیل دارد:

این مدل رشد محور است. یعنی می‌گوید تنها رشد باید موضوع سیاست‌گذاری دولت‌ها باشد و آثار ناشی، منافع آن را به فقرا نیز می‌رساند.

پیشفرضهایی دارد که حتی در غرب هم اهداف جامعه را تأمین نمی‌کند.

چون اصالت را به سرمایه می‌دهد، با اثر صورت‌بخشی (Formative Effect) با تقویت روحیه فردگرایی و سودپرستی، اخلاق و فرهنگ خودش را بر جوامع دیگر تحمیل می‌کند.

اجرای آن در اکثریت قاطع کشورهای جهان بحران‌آفرین بوده است. ثبات یکی از وعده‌های منادبان جهانی‌سازی با مدل نئوکلاسیک بوده است. در حالی که طی دهه‌های آزادسازی، بحران‌ها افزایش یافت. اگر بحران مالی، به معنای عام شامل بحران بانکی، بحران بدهی خارجی، بحران در ذخایر بین‌المللی، بحران پول داخلی، بحران تراز پرداخت‌ها و بحران قیمت سهام باشد با این گستره از تعریف، بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۲، طی ۱۹۶۰-۱۹۹۹، در چهل سال آخر قرن بیستم، ۱۳۲ بحران در ۱۱۸ کشور، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه رخ داده است. تحقیقی هم که در صندوق بین‌المللی پول انجام شده نتایج مشابیهی داده یعنی طی ۲۵ سال آخر قرن بیستم، ۸۰ تا ۱۰۰ بحران در جهان اتفاق افتاده و بحران‌ها هر دفعه سخت‌تر شده است.

نتیجه این مدل از حیث توزیع درآمدی نیز خلاف وعده‌هایش بود. به طوری که تمام تحقیقات علمی نشان می‌دهد طی دهه‌های اخیر در کشورهای OECD توزیع درآمد نابرابرتر از دهه‌های پیش شده است. در کتاب جدیدی که سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، OECD در ماه مه ۲۰۱۵ منتشر کرد (In It Together: Why Less Inequality Benefits All) در مقدمه فصل نخست تأکید می‌کند که طی سه دهه اخیر تقریباً در همه کشورهای عضو آن نابرابری درآمد افزایش یافته است. در کشورهای در حال توسعه وضع بدتر است. به قول جوزف استیگلیز برنده نوبل اقتصاد در ۲۰۰۱ که درباره مدل نئوکلاسیک تعدیل می‌گوید، وقتی پزشکی از ۱۰۰ بیمارش ۹۵ تا می‌میرند، باید در نسخه بیمار مشکلی باشد نه در بیمار!

این مدل که با نام سیاست‌های تعدیل به اعضای صندوق بین‌المللی پول با تزویز، تطمیع و حتی تهدید، طی سه چهار دهه تحمیل شد، در ۹۵ درصد موارد به شکست انجامید. از جمله در کشور مایکی از عوامل وضیت خراب فعلی از جمله در زمینه رشد فساد، تبعیت غیربصیرانه از این مدل است. به طور مستمر، از صدارت آقای هاشمی تا امروز، بلا انقطاع، حتی در دوره آقای احمدی‌نژاد که ظاهراً حرف‌های دیگری می‌زد، این مدل تعقیب شده است. آقای هاشمی که آمد و مدعی شد که می‌خواهد کار را درست کند، یعنی

از نقش دولت کم کند و به بخش خصوصی روی آورد، همین نسخه نئوکلاسیک تعدیل را پذیرفت و از آن طرف‌بام افتاد. یعنی به بازاری که پر از تباہی و انحصار بود، گفتند تو آزادی هرطور می‌خواهی تصمیم بگیری. درواقع رهاسازی کردند نه آزادسازی به معنای منطقی آن که یک مقدماتی دارد که باید رعایت کرد.

آقای هاشمی و دوستانش مروج روشی بودند که من به اشرافیت اداری و اشرافیت شخصی تعبیر کرده‌ام. در حالی که اشرافیت و تجمل‌گرایی در یک حکومت مدعی دین و دینیت، سم مهلک برای حکومت است. یعنی اعتماد مردم را به حکومت ضایع می‌کند و وقتی مردم به حکومت و کارگزارانشان اعتماد نداشته باشند، با آن همراهی نمی‌کنند. مالیات نمی‌دهند، قوانینش را ظالمانه تلقی می‌کنند و می‌گویند این‌ها بیت‌المال را خرج خودشان می‌کنند. مثلاً یک کاری که برای حکومت ۱۰۰۰ تومان خرج دارد، مردم ۵۰۰ تومان می‌دهند به مأمور دولت، ۱۰۰ تومان می‌دهند به دولت و به این ترتیب ۴۰۰ تومان صرفه جویی می‌کنند. اینکه آقا فرمودند ریشه این حرام خواری‌ها تجمل‌گرایی است، واقعیت را فرمودند.

پیشنهاد وارِدکرن تجهیزات ضدشورش برای مقابله با شورش مستضعقان بود

شما سال‌ها در مرکز پژوهش‌های مجلس بودید. آیا پژوهشی درخصوص اقتصاد ایران داشته‌اید و آیا تاکنون نسخه پیشنهادی خود را برای اقتصاد ایران ارائه کرده‌اید؟

نسخه آری اما مدل نه. رویکرد و راهبرد داریم. رویکرد ما تعقیب توأمان رشد و عدالت است و راهبر توجه به اقتضانات ملی به ویژه نهاده‌ها است و تأکید بر حرکت عقلانی، قانونی و برنامه‌ای است که در وضع فعلی در اقتصاد مقاومتی مؤلفه‌هایش جمع شده است. با حفظ این‌ها و استفاده از مدل‌های موجود نسخه می‌نویسیم ولی مدل کاملی‌الان در دسترس نداریم، برای اینکه کار سختی است. هرچند نشدنی نیست. بزرگ‌ترین مانع هم عدم اعتماد مسئولان است، چراکه مدل‌ها باید اجرا شوند و نقص‌هایشان برطرف شود.

به خاطر دارم زمان آقای هاشمی بود، رهبری فرمودند نهی از منکر کنید، بچه‌های مذهبی رفتند میدان ولیعصر و به این خانم‌هایی که موهایشان بیرون بود گیر دادند. من نوشتم منکرات بزرگ را در یابید. منکرات بزرگ منکراتی هستند که اگر سراغشان نروید، به زودی زلف و گیس و ساق و ساعد، همه می‌افتد بیرون! بعد از این مدل نئوکلاسیک تعدیل که دولت آن را پذیرفته بود، یاد کردم و گفتم این مدل فرهنگش را هم با خودش می‌آورد که با فرهنگ ما سازگار نیست. این مدل اصالت را به سرمایه می‌دهد و سرمایه دارها محترم و معزز می‌شوند. آدم‌های معزز هم به جامعه خط می‌دهند. البته این از تمایلی مقامات و مسئولان به اشرافیت و تجملات آغاز می‌شود. وقتی چنین تمایلاتی جوانه زد، توجه و تکریم زراندوزان اندک اندک افزایش می‌یابد. در تخصیص منابع یواش یواش مستضعقان از کانون سیاست‌گذاری‌ها فاصله می‌گیرند. اساساً آن‌ها تغییر ماهیت می‌دهند و اسمشان هم از مستضعف به آسیب‌پذیر عوض می‌شود؛ یعنی از کسانی که به ناحق ضعیف نگاه داشته‌شدند و مسئولیت توانمند کردنشان بر عهده حاکمیت است، تبدیل می‌شوند به افرادی که در فرآیند تعدیل استعداد پذیرش آسیب را دارند و ممکن است زیر چرخ‌های توسعه کاملاً آسیب‌را بپذیرند و له شوند و چون این احتمال هم هست که شورش کنند، باید پلیس ضد شورش با تجهیزات پیشرفته مجهز شود. این حرف‌ها قصه نیست، قسمت شورش و لزوم سرکوب مضمون سخنان مرحوم دکتر نوربخش وزیر اقتصاد در هیئت دولت آقای هاشمی رفسنجانی است که پیشنهاد وارِدکرن تجهیزات ضد شورش را به همان دلیل داده بود!

در همان ایامی سرمقاله‌های منکرات بزرگ را نوشتم و در روزنامه رسالت منتشر شد، طی تماسی که با معاون رئیس‌جمهور داشتیم، او گفت تو می‌گویی ما که اینجا نشستیم ایتم منکرات بزرگیم؟ تو می‌گویی ما چه کار کنیم؟ گفتم اگر من جای شما بودم دو کار می‌کردم که شما نمی‌کنید. اول این که از بین مدل‌های اقتصادی موجود آن را انتخاب می‌کردم که با اقتضانات دینی و ملی ایران سازگارتر است. دوم اینکه گفتم اگر من جای شما بودم ۲۰ تا اقتصاددانی که به تمامیت اسلام برای معاش و معاد باور دارند و ۲۰ تا طلبه اقتصادخوانده‌ای که فهم‌گزینش دارند را انتخاب می‌کردم و یک ساختمان به آن‌ها می‌دادم با همه امکانات و آخرین کتاب‌های خارجی. این‌ها بنشینند و ظرف ۵ سال به من بگویند چه کار کن و بعد من حرفشان را می‌پذیرم و به آن عمل می‌کنم و اگر اشتباه‌داشت آن اشتباهات در عمل آشکار و اصلاح می‌شود. دیگر ۵ سال بعد کاسه‌چه‌کنم دستم نیست. لذا ساختن مدل سختی دارد ولی غیرممکن نیست.

اما ما در بانک مرکزی شورای فقهی داریم ولی شما وضعیت بانکداری ما را می‌بینید.

اگر رئیس بانک مرکزی کسی باشد که وقتی نماینده‌ای از او بپرسد متوسط دریافتی ماهانه طی سال و امتیازاتش مانند دریافت قرض الحسنه(!) چقدر است، از خجالت مجبور به تکتمان نباشد و خودش و اقتصاددانان اطرافش تمامیت اسلام را واقفا باور داشته باشند و اعضای شورای فقهی هم شرایط گفته‌شده را می‌داشندتد، وضع به این فضاخت نبود. از وضع فعلی تنها اسلام مالی کردن ربا بر می‌آید.